

بازخوانی علمی ومنصفانه زندگی حضرت زهرا(س) پاسخی به تصویرهای شرق‌شناسان از آن حضرت است

فاطمه علیها السلام؛ نه قدیسه‌ای دور از زمانه، نه چهره‌ای محصور در خانه



■ **شرق‌شناسی معاصر؛ تقابل داده‌های تاریخی با پیش‌فرض‌های اسطوره‌ای**

در بررسی آثار شرق‌شناسان غربی، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، شاهد موجی از تقلیل‌گرایی در شخصیت‌های صدر اسلام هستیم. مقاله‌ها و آثاری بی‌شمار را می‌توان نام برد که به اسم تحقیق و پژوهش در مورد دین اسلام جایگاه عظیم بزرگان دین ما را کمتر از آن چیزی که بایست نشان داده‌اند. برای نمونه در مورد حضرت صدیقه کبری (س) بررسی‌های چونی پژوهش‌های ورنا کلا (پژوهشگر آلمانی) نشان می‌دهد این دست مطالعات، وقایع مسلم و قطعی تاریخ ازجمله مواضع مستحکم ایشان در قبال تحولات پس از رحلت رسول‌الله(ص) را از پس عینک پیش‌فرض‌های اساطیری وافسانه‌های مذهبی تفسیر می‌کنند.نقطه‌ضعف مفرط این متون، نبود تناسب میان گستره موضوع و دامنه منابع مورد استناد است؛ یعنی این اساتید معاصر که در حال تدریس در دانشگاه‌های اروپا هستند با نادیده‌گرفتن میراث حدیثی و تاریخی اصیل شیعه و حتی با برداشتن قسمت‌هایی که مدنظر خودشان از تاریخ است، مانند تقطیع گزارش‌های کهن اهل سنت؛ موجب‌شدندحضرت فاطمه(س)از یک‌مصلح‌اثروگزاروهربر جریان‌ساز اجتماعی، چهره‌ای منفعل و محصور در روایات شفاهی تصویر شود. این در حالی است که حتی اسناد متواتر تاریخی مورد اتفاق فریقین، جایگاه‌والی ایشان را با این عبارت پیامبر اکرم(ص) تثبیت کرده‌اند: «فاطمه پاره تن من است؛ هر کسی او را بپازارد، مرا آزرده است».

■ **اثبات ایده ساده‌زیستی ومواسات با نفی مصرف‌گرایی در اوج بهره‌رویی اقتصادی**

گاهی ما فقط یک ایده را مطرح می‌کنیم و همگان در فضای

ریحانه‌عامل نیکا شناخت دقیق ابعاد وجودی حضرت فاطمه زهرا(س)فراتر از یک ضرورت دینی، پاسخی روشن به نیازهای انسان امروز در بازتعریف مفاهیم بنیادینی چون «حق‌طلبی»، «کنشگری» و «عدالت‌خواهی» است. با مرور پژوهش‌های معاصر مشخص می‌شود شرق‌شناسان و پژوهشگران خارجی وپرو ن دینی و همچنین اسلام‌شناسان میان دوپرتگاه عمده سرگردان مانده‌اند: از سویی خوانش‌های سنتی و گاه ناآگاهانه‌ای که با حصر شخصیت حضرت در دایره انحصاری «زنانه» یا غرق شدن در جزئیات تاریخی تقلیل‌یافته، جلوه جهانی وتمدنی ایشان را به حاشیه برده‌اند و از سوی دیگر، جریان‌های شرق‌شناسی معاصر که با تکیه بر چارچوب‌های روش‌شناختی ناقص و گزینشی هدفمندمنابع، تصویری نادرست، گسسته و نامتوازن از حیات دخت گرامی پیامبر(س) ارائه می‌دهند. در این میان، بازخوانی بی‌طرفانه، روشمند و علمی زندگی حضرت نشان می‌دهد حیات ایشان تلفیق میان اندیشه و عمل است؛ از ساده‌زیستی معنادار، جهاد علمی، مدیریت اقتصادی هدفمند و حضور جریان‌ساز در اجتماع گرفته تا اعلام مواضع سیاسی در گلوگاه‌های خطیر تاریخی. برخلاف دیدگاه اسلام‌شناسان غربی، زهرا(س) مرضیه(س) متناسب خوانش‌های دین پیود و مسیحیت نه تنها قدیسه‌ای دور از معادلات زمانه نبودند، بلکه کانون جوشان یک منظومه فکری و اجتماعی به‌شمار می‌رفتند؛ شخصیتی که خطبه‌ها، سلوک تربیتی و مواضع صریح سیاسی واجتماعی‌اش پس از رحلت رسول خدا(ص)، تا ابد به عنوان معیار سنجش حق‌طلبی، نفی سستی و انفعال در وظایف انسانی در مقابل حق تعالی و دفاع از بنیادهای توحید و ولایت باقی مانده است. در ادامه مروری بر این موارد داریم.

■ **حضرت فاطمه(س) بزرگ‌تر از قفس برداشت‌های جنسیتی**

یکی از چالش‌های بنیادین در پژوهش‌های معاصر شرق‌شناساندر سراسر جهان، تحمیل نگاه‌های تک‌بعدی و قضاوت‌های فرهنگی به ساحت قدسی حضرت است. سال‌هاست در برخی تلقی‌های عمومی، مقام صدیقه طاهره(س) تنها به عنوان «اسوه بانوان» صورت‌بندی می‌شود؛ حال آنکه در نصوص کهن روایی و تعبیر ائمه معصومین(ع)، حضرت فاطمه(س) حجت‌الهی بر همگان و پیشوای تمام انسان‌های حقیقت‌جو، چه زن و چه مرد است. محدود کردن مقام ایشان به الگویی صرفاً جنسیتی، دستاورد فکری و معرفتی ایشان را از فضای کلان جامعه به محیطی محدود فروگاسته است. آسیب دوم در این زمینه، تحمیل هنجارهای فرهنگی اعصار بعدی بر سبک زندگی حضرت است که گاه تصویری منفعل، خاموش و بی‌ارتباط با دغدغه‌های زمانه بازتولید می‌کند. محاسن ساری سیره در گام نخست نیازمند زودون این گردوغبارها و بازنمایی چهره‌ای است که در آن، تقوای فردی و ارتباط باخداي متعال و سرچشمه نبوت و اهل بیت(ع) سرچشمه جسارت و تکلیف‌مداری در ساحت اجتماع قرار می‌گیرد.

در حرم

روایتی از احیای یک سنت در رواق حضرت زهرا (س) در گفت‌وگو با یکی از قاریان این محفل

همنشینی با کلام خدا پای رحل‌های چوبی

می‌رویم، به یک رفیق همیشگی در زندگی تبدیل شود.

■ **همراهی برای هم‌نشینی با کلام خدا در آستان رضاع)**

نگاهی به پیشینه فاطمه‌سادات موسوی نشان می‌دهد لحن آرام و صبور او در مواجهه با اشتباهات اعرابی یا مخارج حروف زنان کهنسال، حاصل تجربه‌ای طولانی در فراز و فرود مسابقات فنی است. او رتبه نخست رشته قرائت تحقیق در مسابقات کشوری امام علی(ع) (۱۳۹۲)، مقام اول جشنواره بین‌المللی جامعه‌المصطفی و عناوین استانی متعددی در مسابقات اوقاف و دانش آموزی را در کارنامه دارد؛ عناوینی که در سال ۱۴۰۳ با کسب رتبه نخست رشته ترتیل مسابقات کشوری خانواده‌های طلاب تکمیل شد؛ «خوشیخانه بانوان زائر و مجاور استقبال خوبی از این جلسات دارند. بعضی‌ها از قبل با قرآن آشنا هستند و برای تقویت تلاوتشان می‌آیند و بعضی دیگر تازه می‌خواهند قرائت قرآن را یاد بگیرند. تلاش ما این است همه احساس کنند این جلسه برای آن‌هاست و کسی به‌خاطر ضعف در تلاوت، احساس خجالت یا نگرانی نداشته باشد».

تا تسلط امروز خود را حاصل شاگردی در مکتب اساتیدی چون مریم صاحب‌دیوانی، ملیحه اسحاق‌نژاد و راحله اسکندری می‌داند. در کنار اجرای برنامه و کمک‌داری، تجربه حضور موسوی در این حلقه، انتقال دانش فلا ن، بهداشت صوت و احکام تجوید به زبان توده‌های مردم است؛ مهارتی که انتقال آن به‌زبانی غیرفنی، گاه از تحلیل‌های پیچیده نغمات دشوارتر است.

■ **اضطراب‌های یک آغاز؛ نخستین حضور در پیشگاه زائران**

پشت مهارت امروز هر قاری، خاطره مواجهه نخست با جایگاه قرار دارد. موسوی به ۱۲ سال پیش بازمی‌گردد؛ زمانی که پس از دو سال حضور مداوم در دارالقرآن، برای نخستین بار نام او در فهرست تلاوت‌کنندگان رسمی حرم منور قرار گرفت؛ «حدود ۱۲ سال پیش برای نخستین بار در حرم مطهر تلاوت کردم. آن قدر هیجان داشتم که شب قبل خوابم نمی‌برد. صبح ساعت ۶ به حرم آمدم و یک یا دو ساعت زودتر از آغاز محفل در محل حاضر شدم. حدود دو سال بود که در دارالقرآن فعالیت می‌کردم تا اینکه یک روز برای تلاوت در حرم مطهر دعوت شدم. بادم هست در محفل قرآنی صبح جمعه برای تلاوت دعوت شدم. همراه خواهرم به حرم مطهر آمدم و از او خواستم از تلاوتم فیلم بگیرد تا بتوانم آن را به خانواده نشان بدهم. احساس می‌کردم یکی از آرزوهای بزرگم محقق شده است».

■ **پیوند متن با واقعیت زیستی؛ مادری با تلاوت قرآن**

ارتباط با آیات گاه از مرزهای فن و هنر تلاوت عبور می‌کند ووارد ابعاد درونی انسان می‌شود. موسوی از جلسات ماه رمضان حدود دو سال پیش به عنوان نقطه



خبر

در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین رضا محمدی شاهرودی انجام شد

تبیین نسبت میان شیعه و محب در کلام حضرت زهرا(س)

فاطمیه، موسم تجدید حزن اهل‌بیت(ع) و داغ جانسوز شهادت پاره تن پیامبر(ص) است؛ روزهایی که در کنار این غم سنگین، دلدادگان میان بیم از کاستی‌های خود و امید به دست‌گیری مادرانه آن حضرت به سر می‌برند؛ اینکه پیوند قلبی با بیت رسالت، در فرای قیامت چه سرانجامی برای ما رقم می‌زند و کرانه شفاعت ام‌ابیها(س) تا کجاست؟ آیا این نگاه رحمت تنها پاداش برگزیدگان و اهل عمل است یا شامل حال محبان خطاکار و پشیمان نیز می‌شود؟

حجت‌الاسلام والمسلمین رضا محمدی شاهرودی، کارشناس معارف دینی در گفت‌وگو با خبرنگار آستان نیوز با استناد به بیانی روشنگر از حضرت صدیقه طاهره(س)، نسبت میان شیعه بودن، دایره محبت و گستره شفاعت را تبیین می‌کند.

■ **در ایام سوگواری شهادت صدیقه طاهره(س) قرار داریم. بفرمایید شفاعت حضرت در قیامت، تنها مخصوص عده‌ای خاص از شیعیان ممتاز است یا گستره وسیع‌تری دارد؟**

برای پاسخ به این پرسش باید به کلام نورانی خود حضرت زهرا(س) رجوع کنیم، روزی مردی همسرش را فرستاد تا از حضرت بپرسد آیا از جزو شیعیان اهل‌بیت(ع) محسوب می‌شود یا خیر. حضرت زهرا(ی مرضیه(س) پاسخی دقیق و روشنگر دادند و فرمودند: شیعه ما کسی است که به دستورها و اوامر ما عمل کند و از آنچه نهی کرده‌ام دوری گزیند؛ اگر چنین هستید، از شیعیان ما به‌شمار می‌آید و در غیر این صورت، خیر. این کلام در حقیقت تعریف جامع و آرمانی از هویت شیعه واقعی است.



■ **این تعبیر حضرت ممکن است برای بسیاری از مؤمنان نگران‌کننده باشد؛ وقتی آن بانو متوجه اندوه و هراس آن مرد از کوتاهی در اعمالش شدند، چه واکنشی نشان دادند؟**

همین اتفاق افتاد؛ وقتی پاسخ حضرت به گوش آن مرد رسید، به‌شدت متقلب شد و گفت پس وای بر ما که از عهده همه دستورات بر نمی‌آییم و اهل عذاب خواهیم بود. همسرش این حال پیریشان را به حضرت گزارش داد. حضرت صدیقه طاهره(س) در این مرحله وجه مهر و شفاعت را تبیین کرده و فرمودند: به همسرت بگو چنین نیست که گمان کرده؛ «شَیْعَتُنَا مِنْ خَیَارِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»؛ شیعیان واقعی ما برگزیدگان اهل بهشت و همسایگان خاص پیامبر(ص) هستند که جایگاهشان مثل ستارگان آسمان برای دیگران دور از دسترس است. اما هرکس که صرفاً «محب» ما بوده و محبت ما در دلش باشد، حتی اگر به واسطه گناهانش مستحق بازخواست شود، تا ابد در عذاب نخواهد ماند و در نهایت شفاعت ما شامل حالش خواهد شد تا نجات یابد.

■ **پس میان «شیعه بودن» به معنای پیرو راستین و «محب بودن» تفاوت وجود دارد؟ این تمایز در قیامت چگونه نمایان می‌شود؟**

شیعه مقامی پس والاست که با عمل تام و انقیاد شکل می‌گیرد، اما دایره شفاعت حضرت زهرا(س) فراتر از شیعیان خاص است و دلدادگان و محبان را هم دربرمی‌گیرد. البته بهشت درجات دارد؛ فردی که یک عمر بندگی کرده و پیرو حقیقی بوده، با کسی که محبت داشته ولی دچار خطا و گناه شده، جایگاه برابری ندارند. محبت اهل‌بیت(ع) زمینه‌ساز دست‌گیری است، اما مانع اجرای عدالت و پاک شدن مؤمن از ناپاکی‌ها نیست؛ شفاعت می‌آید تا محب در آتش نماند.

■ **آیا ممکن است کسی در این دنیا به دلایل مختلف، ولایت را نشناخته باشد، اما مستحق رحمت و شفاعت شود؟ تکلیف کسانی که عنادی نداشتند چیست؟**

مردم در برابر حقیقت دو دسته‌اند؛ گروهی معاند هستند؛ یعنی با وجود اینکه حق برایشان روشن شده و کلام پیامبر(ص) در غیبر را دانسته‌اند، از روی لجابت زیر بار نرفته‌اند که این انکار به انکار خدا بازمی‌گردد. اما بخش زیادی از انسان‌ها معاند نیستند، بلکه طبق تعبیر آیات ۹۷ و ۹۹ سوره مبارکه نسا، مستضعف فکری هستند؛ یعنی حقیقت به گوش آن‌ها نرسیده یا به دلیل شرایط جغرافیایی و محیطی نتوانسته‌اند حق را بشناسند. خداوند با این گروه با رحمت برخورد می‌کند. در قیامت زمینه درک حقیقت و آزمون برای آن‌ها فراهم می‌شود و چون باطن لجاجتی ندارند، با شناخت حقیقت به ولایت ایمان می‌آورند و نجات پیدا می‌کنند، هرچند درجه آن‌ها با مؤمنان اهل عمل متفاوت خواهد بود.

■ **حال که مشخص شد محبان اهل بیت(ع) حتی با وجود خطاها و نیاز به پاسخ‌گویی در نهایت اهل نجات هستند، این شفاعت نجات‌بخش حضرت زهرا(س) دقیقاً در چه مرحله‌ای از قیامت به داد انسان می‌رسد؟**

شفاعت، واپسین منزلگاه و آخرین امید در دادگاه عدل الهی است. این دست‌گیری درست در مقطعی رخ می‌دهد که رسیدگی به پرونده اعمال پایان یافته، حجت تمام شده و فرد به دلیل بار سنگین گناهانش، محکوم به عذاب شده است. در آن تنگنای سرنوشت‌ساز که انسان از همه‌جا ناامید است، لطف مادرانه حضرت صدیقه طاهره(س) تجلی پیدا می‌کند. این نجات یا پیش از افتادن در ورطه عذاب است که جلو عقوبت را واقعیت‌است که برای حفظ میراث فرهنگی و مذهبی، همیشه‌به‌زیراخت‌های پیچیده‌نیاز نیست؛ گاه کافی است اصالت حلقه‌های سنتی احیا شود، فضایی امن و خالی از مع‌گیری فراهم و به کلمات اجازه داده شود در ساده‌ترین شکل خود، همان انسان‌ها جریان یابند.